

حاکمیت عدالت همه جانبه بر عدالت کیفر محور

چکیده محتوایی

بیان مدعا (آقای دکتر توفیق اسداف): امروزه عدالت کیفری مثل دیروز عدالتی نیست که از روی منطق فازی، حکمت و همدلی با مجرم و مظلوم و نگاه همه جانبه به یک رویداد ناهنجار باشد. و قطعاً افزایش جرائم بین المللی، عدم اصلاح اکثر مجرمین سابقه دار و کاهش سن جرم، نشانگر ناکارآمدی عدالت کیفری به صورت مطلق است. حتی با وجود این که عدالت کیفری مدعی سزادهی مجرمان و کاهش آمار جرائم است، ولی گاهاً خود عدالت کیفری نیز بابتی عدالتی روبه رو می شود. زیرا توجه اش بیشتر به جرم و کیفر است، نه عوامل روانشناسی فردی و اجتماعی جرم و مجرم. و چون عدالت کیفری جرم گرایانه دیگر نتوانست میزان جرائم را در جوامع بشری همزمان با تربیت انسانی کنترل کند، دیدگاه عدالت همه جانبه پیشنهاد می گردد. در عدالت همه جانبه، با در نظر گرفتن عوامل روانشناسی فردی و اجتماعی جرم و فضای آن، رویکرد دفاع از آسیب پذیران اجتماعی مورد توجه است و باید هم از قربانیان و هم از خطاکاران جنایت دفاع کرد و نسبت کیفر متناسب با وضعیت فردی و اجتماعی و موقعیت شأنی مجرم و آسیب دیده متناسب باشد. زیرا عدالت به معنای تساوی نیست! اگر فعالیت های اساسی و زیرساختی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه به درستی انجام شود، و اگر نظام مدیریتی و تربیتی جامعه به صورت صحیح پیاده سازی شود، قطعاً ریشه جرم به مرور زمان کاهش یافته و قشر آسیب پذیری کمتر به وجود می آید. آنچه مورد توجه شارع مقدس است، اجرای عدالت در همه موارد، از جمله در کیفردهی است. ولی با این حال اولویت شارع بعد از رخ دادن خطا، در حد امکان تخفیف در مجازات و عفو مجرم است. تخفیف و یا چشم پوشی در مواردی که به حق الله تجاوز شده است، با استناد به رحمت الهی و رافت اسلامی سازگاری بیشتری دارد، ولی در حق الناس قاضی فقط می تواند رضایت آسیب دیده را برای گذشت بز هکار به اشکال مختلف جلب نماید. و در همه موارد عواملی که در عمل بزه نقش محرک داشته است، مورد توجه قاضی قرار گیرد. و بعد از اثبات جرم و تصویب مجازات برای مجرم، قاضی نسبت به شیوه کیفر حساسیتهای لازم را به خرج دهد، تا در حق مجرم و آسیب دیده ظلم نشود.

ناقد اول (حجت الاسلام دکتر غائبی): عنوان رساله و مقاله را مناسب نمی بینم و به نظر بنده این عنوانی که میگویم عنوان مناسب تری برای رساله یا مقاله شما می باشد که عنوان این هست: «تعلیق عدالت کیفری بر بنیادهای وقوع جرم». بایستی دهلیزهای وقوع جرم ابتدا شناخته شود و سپس بعد از آن تعزیر و حد برای آن جرم مشخص شود. من باب مثال در سال قحطی اگر سرقتی صورت پذیرد برای آن سرقت حد سرقت جاری نمی شود. لذا فقها میگویند که اجرای حد سرقت 16 شرط دارد. منطق فازی منطق جدیدی است که همه چیز را مطلق نبینیم یعنی همه چیز را صفر یا صد، سیاه یا سفید نبینیم بلکه در این بین خاکستری هم وجود دارد. ظاهر صحبت شما این است که عدالت گذشته بر اساس منطق فازی است و در حال حاضر به این صورت نیست. عناوینی که در رساله آورده اید ارتباطش با هم مشخص نیست و عنوان کلی با عناوین زیرین آن ارتباطی ندارد و سیر منطقی در مباحث ملاحظه نمی شود. ارجاعات زیادی در مقاله شده است اما منابع آن مشخص نیست. ترجمه آیات دقیق نیست و ناقص و اشتباه ترجمه شده است.

ناقد دوم (حجت الاسلام دکتر آذریان): عنوانی که برای مقاله در نظر گرفته اید ذیل مباحث فلسفه حقوق کیفری این بحث مطرح می شود. حوزة ای که فلسفه حقوق کیفری به آن می پردازد یکی بحث جرم انگاری هست که چه اعمال و رفتاری باید جرم قلمداد شود و دوم بحث مسئولیت هست که در این حوزة چه کسانی باید مجازات شوند و در آخر بحث مجازات هست که اینکه چطور باید مجازات کنیم و رابطه این جرم و کیفر چگونه باید باشد. بحث جناب عالی در حوزة سوم یعنی بحث مجازات از فلسفه حقوق کیفری می باشد. اینکه نیاز به دارالتادیب هست و نگاه جامعه شناسانه و روانشناسانه به جرم داشته باشیم بحث درستی است اما ربطی به قوانین جزا و حقوق کیفری ندارد. تربیت صحیح فردی، اجتماعی و خانوادگی میزان جرائم را کاهش می دهد و این یک حرف صحیح است اما ربطی به عدالت کیفر محور ندارد و نمیتوان جایگزین قوانین جزای ما قرار گیرد. برقراری عدالت در جنب های دیگر جایگزین عدالت کیفر محور نمیشود و نه تربیت جای کیفر را میگیرد و نه کیفر جای تربیت را میگیرد. نکته دیگر اینکه کیفر را چطور معنا میکنید؟ گویی شما کیفر را فقط چیزی که مشقت دارد معنا میکنید مانند اعدام و زندان و ... و میگویید در بعضی جنبه ها باید بگویم کاری اجتماعی را انجام دهد، خب آن کار اجتماعی هم یک مدل کیفر هست و چرا کیفر را اینقدر معنای خاصی میکنید. در فلسفه مجازات هدفمان چیست؟ ببینید رویکردهای فلسفی متفاوتی در این بحث وجود دارد که به نظر من عدم توجه به مبانی فلسفی این نظریات باعث ایجاد مشکلاتی برای ما می شود. به نظر من عدم توجه به مبانی فلسفی این نوع نظریات ما را دچار چالش می کند که الان در نظام حقوقی ایران ما را دچار چالش کرده است این نگاه یعنی یک نوع نگاه های وارداتی بدون نگاه به پشتوانه های فلسفی.

مدیر کرسی (حجت الاسلام امینی): ایشان با طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین و جمع بندی نهایی، به حسن ختام این کرسی پرداختند.